

خوب بود و طریقی کافه آن
 در وقت زنت به دوری نمود که صدای
 در وقت زنت به دوری نمود که صدای
 در وقت زنت به دوری نمود که صدای
 در وقت زنت به دوری نمود که صدای

از این که از دیگر جایها خوردن شاید و آنچه بدین برود نماید
 استخوان و غیره بر نان سفره نهند و اگر استخوانی در ظرف باشد
 پنهان از دهن دور کند و از حرکات تشنه و احترازی کند و چیزی
 از دهن در کاسه نیندازد و نوعی سلوک کند که هر که خواهد بقیه
 طعام او خورد و نفر نماند و اگر همچنان باشد پیش از همانند است
 باز کشند و نیز موافقت نماید اگر چه کس سینه باشد مگر در
 خانه خود یا مقامی که محارم باشد و اگر همچنان باشد باز کشند
 بعد از آنکه دیگران دست باز کشیدند تا بکشند تا بکشند
 بقیت رغبتی باشد حجاب نکند و اگر در میان طعام بآب
 احتیاج افتد با دستکی بیاشامد چنانچه او از دهن و طلق
 او نشنوند و در نظر جماعت خلل نکند و آنچه بزبان از دهن
 بیرون آید بخورد اما آنچه بخلال برآید بجای آن اندازه که مردم نظر
 نمایند در وقت دست شستن در پاک کردن انگشتان
 و پنج ناخن جدید بلوغ نماید و همچنین در لب و دهن دندان شستن
 و آب دهن در طشت نیندازد و چون ابلی که دهن باشنیده بود

باز

ریز و بدست بپوشد و در دست شستن بر دیگران سبقت
 بخورد و اما باید که همانند در دست شستن پیش از طعام
 بر دیگران سابق شود **نهم** در رعایت حقوق پدران و مادران
 چون بمقتضای عقل و نقل شکر نعم واجبست و بعد از نعم
 الهی هیچ نعمت در حق فرزند چون نعمت پدر و مادر نیست
 چه پدر سبب صوری وجود است و بعد از آن وسیله تربیت
 او و تهیه اغذیه و البسه و ضروریات که سبب بقای او
 و بلوغ و کمال نشود و نمانست و باز واسطه حصول کمال است
 نفسانی او چون ادب و هنر و صناعات با انواع شفقت
 و تقبیل جمع اسباب دنیوی بینماید و برای او ذخیره بسیار
 و از ابا و اوزانی میدارد و بلکه اینها را بخورد بینماید و مادر در تربیت
 و جوهر شریک پدر است با آنکه تحمل مشقت حمل و مقاسات
 خطر ولادت و اوجاع طلق کرده و اول قوی که سبب حیات
 فرزندش خون بدن او است و مدت مدید حفظ و سیات
 و تربیت او نموده و از فرط شفقت خود را فدای او دانسته